



The role of the Samanids in the slave trade in Khorasan and Transoxiana (Mā Warā' al-Nahr)

Hassan Ramazanpour¹  Mohammad Taghi Imanpour²  Javad Abbasi³ 

1. PhD student of Islamic History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: ramazanpour.history@gmail.com

2. (Corresponding Author) Professor of Ancient History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: timanpour@um.ac.ir

3. Associate Professor of Islamic History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: jahistorian@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15Nove2023

Received in revised

form: 13Janu2024

Accepted: 8 March2024

Publishedonline: 8Apr2024

Key word:

Samanid,

Slave Trade,

Turks,

Khorasan,

Transoxiana(Mā Warā' al-

Nahr).

ABSTRACT

Due to the dominance of the important trade routes, the Samanids paid special attention to trade. As a commercial commodity, slaves were one of the sources of income for the Samanids. Samani government both imported slaves and allowed slave traders to import slaves in return for taxes. These slaves were exported from the Samanid territory to other regions of the Islamic world, especially Baghdad, the center of the Abbasid Caliphate. The Abbasid caliphate and the Samanid government used imported slaves, especially Turkish slaves, in military affairs, and these slaves had great power in the caliphate and Samanid system. Research data indicate that the slave trade flourished in this period and the Samanids supported it. The main question of the current research is, what was the extent of the role of the Samanids in the slave trade? The findings of the research indicate that the slave trade flourished in this period and the Samanids supported it, they monopolized this trade, supervised the import and export of slaves, imposed taxes and customs duties on them, and gained a lot of income in this way. In addition, the main core of the Samani army was formed by the military forces of Turkish slaves. Based on ancient sources and historical researches and using descriptive-analytical method in this research it has been tried to study the slave trades during the Samanid period.

Cite this article: Ramazanpour, Hassan & Imanpour, Mohammad Taghi & Abbasi, Javad (2024). The role of the Samanids in slave trade in Khorasan and Transoxiana (Mā Warā' al-Nahr). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 18, No.34 Pages:89-114.

DOI. 10.22111/JHR.2024.46894.3627



© The Author: Hassan Ramazanpour & Mohammad Taghi Imanpour & Javad Abbasi
Publisher: University of Sistan and Baluchestan



نقش سامانیان در تجارت برده در خراسان و ماوراءالنهر

حسن رمضان پور^۱ محمد تقی ایمان پور^۲ جواد عباسی^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. ramazanpour.history@gmail.com
۲. نویسنده مسئول) استاد ستاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). timanpour@um.ac.ir
۳. دانشیار تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. jahistorian@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

سامانیان به دلیل تسلط بر راه‌های تجاری مهم، اهتمام ویژه‌ای به امر تجارت داشتند. برده به‌عنوان کالای تجاری یکی از منابع درآمد سامانیان به حساب می‌آمد. دولت سامانی هم خود از ترکستان و اروپای شرقی برده وارد می‌کرد و هم در قبال اخذ مالیات، اجازه ورود بردگان را به تجار برده می‌داد. این بردگان از قلمرو سامانی به دیگر مناطق جهان اسلام و از جمله بغداد، مرکز خلافت عباسی صادر می‌شدند. خلافت عباسی و دولت سامانی از بردگان وارد شده، به‌ویژه بردگان ترک، در امور نظامی بهره می‌بردند و این بردگان در دستگاه نظامی خلافت و سامانیان قدرت بسیاری گرفته بودند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که ابعاد و گستره‌ی نقش سامانیان در تجارت برده به چه میزان بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تجارت برده در این دوره رونق گرفت و سامانیان از آن حمایت و تجارت آن را در انحصار خود قرار دادند. آنان بر واردات و صادرات بردگان نظارت داشتند، بر آن‌ها مالیات و عوارض گمرکی بستند و درآمد زیادی از این راه به دست آوردند. ضمن این که هسته‌ی اصلی سپاه سامانی را نیروهای نظامی بردگان ترک تشکیل می‌دادند. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از منابع اصلی و پژوهش‌های تاریخی و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی به مطالعه‌ی تجارت برده در دوره‌ی سامانیان پرداخته شود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

واژه‌های کلیدی:

سامانیان،
تجارت برده،
ترکان،
خراسان،
ماوراءالنهر.

استناد: رمضان پور، حسن و ایمان پور، محمد تقی و عباسی، جواد (۱۴۰۳) نقش سامانیان در تجارت برده در خراسان و

ماوراءالنهر، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره ۳۴، ص ۸۹-۱۱۴.

DOI. 10.22111/JHR.2024.46894.3627

© نویسندگان . حسن رمضان پور و محمد تقی ایمان پور و جواد عباسی



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

خراسان بزرگ و ماوراءالنهر در دوره‌های مختلف از اهمیت تجاری ممتازی برخوردار بودند. شاهراه‌های تجاری مختلفی از این مناطق می‌گذشت و شرق و غرب جهان به وسیله‌ی این دو منطقه به یکدیگر متصل می‌گردید. تجار و بازرگانان سرزمین‌های زیادی به این مناطق رفت‌وآمد می‌کردند و انواع و اقسام کالاهای تجاری بدان جا آورده می‌شد. در نخستین سده‌های اسلامی، حاکمان مسلمان عرب بر اهمیت تجاری این مناطق واقف بودند و پس از یکپارچه‌سازی قلمرو خود، به تجارت با سرزمین‌های دیگر پرداختند. در دوره‌ی خلافت عباسیان، خراسان و ماوراءالنهر به دلیل دوری از مرکز خلافت به دست حاکمان محلی سپرده شد. در چنین شرایطی، سامانیان پس از افول قدرت طاهریان، استقلال بیشتری به دست آوردند و در نهایت، حاکمیت بر خراسان نیز از سوی خلافت به آن‌ها سپرده شد. سامانیان نیز در جهت رشد تجارت اقدامات زیادی را انجام دادند. در کنار سایر اقالام تجاری، تجارت برده در این دوره در خراسان و ماوراءالنهر رونق یافت و بردگان زیادی از مناطق مختلف به بازارهای آنجا وارد می‌شدند. منابع اشارات متعددی به بردگان این دوره دارند و از فراوانی این کالای تجاری گزارش‌هایی را ارائه داده‌اند. سامانیان توانستند از تجارت برده بهره‌ی زیاد ببرند. هرچند تاکنون در رابطه با تجارت برده در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ بحث‌های زیادی شده است، اما درباره نقش سامانیان در تجارت برده در این نواحی و چرایی و پیامدهای آن برای این حکومت به‌طور خاص و مستقل پرداخته نشده است و به نظر می‌رسد انجام چنین پژوهشی یک ضرورت در مطالعات تاریخی در این دوره باشد. لازم به ذکر است که در منابع دوره‌ی سامانی برای بردگان مرد از اصطلاح غلام و برای زنان از عنوان کنیز استفاده می‌کرده‌اند و در پژوهش حاضر واژه‌ی برده برای همه‌ی انواع آن به کاررفته است. بعلاوه، بردگان در این دوره در امور مختلف نقش داشتند. بردگان مرد عمدتاً به خدمات نظامی، کشاورزی و فعالیت‌هایی که به نیروی بیشتر جسمی نیاز داشت، مشغول بودند و زنان برده نیز در امور خانه‌داری، موسیقیایی، بهره‌دهی جنسی

و فعالیت‌های خدمات شهری مانند آرایشگری، طبابت، نانوايي و غيره فعاليت داشتند. قيمت برده‌ها بر اساس تعاليم و آموزش‌هايي که می‌ديدند و نيز زيبايي و هنرهايي که داشتند، تفاوت داشت.

پيشينه‌ی پژوهش:

موضوع تجارت برده در خراسان و ماورالنهر و در عصر سامانيان غالباً توسط پژوهشگران علاقه‌مند به اين دوره مورد توجه واقع شده است. براي مثال محمدرضا ناجی (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان فرهنگ و تمدن اسلامي در قلمرو ساماني در بخش تجارت، عنوان تجارت برده را ذکر کرده است. او در اين کتاب پس از ذکر راه‌هاي تجاري قلمرو سامانيان، يکي از اقلام پرسود تجاري را برده عنوان کرده است که عمدتاً معطوف به بردگان ترک بود. مطالب ايشان پيرامون بردگي و تجارت برده بسيار مختصر است و نمی‌توان با تکیه بر آن، اهميت تجارت برده را در دوره سامانيان و يا نقش آن‌ها را تجارت برده به درستي درک نمود. کتاب عصر زرین فرهنگ ایران نوشته ريچارد نلسون فرای (۱۳۵۸) نيز مطالب ارزنده‌ای پيرامون تجارت برده دارد. در اين کتاب نيز به صورت بسيار خلاصه، تجارت برده از ترکستان و هم‌چنين اروپاي شرقي که توسط سامانيان صورت گرفت موردبررسی قرار گرفته است. برتولد اشپولر (۱۳۶۹) در جلد دوم کتاب خود، تاريخ ايران در قرون نخستين اسلامي موضوع تجارت برده را ذیل تجارت و اقتصاد اين دوره موردبررسی قرار داده است. مسئله‌ی انحصار تجارت برده توسط سامانيان و هم‌چنين ارسال برده به‌عنوان هدايا برای خلافت بخشي از توجه اشپولر به تجارت برده است. بشري دلريش (۱۳۹۲) در کتاب خود با عنوان جایگاه سياسي غلامان در تاريخ ايران فصلي را به تجارت برده اختصاص داده است. مؤلف کتاب بيشتري به تجارت غلامان ترک که در تاريخ ايران نقش پررنگ‌تري نسبت به ساير بردگان داشته‌اند، پرداخته است. در حقيقت، وی زمينه‌هاي قدرت‌يابي ترکان در ايران را موردبررسی قرار داده است. علاوه بر کتاب‌هاي ذکر شده چند پايان‌نامه نيز به بحث تجارت برده‌ی اين دوره پرداخته‌اند. براي مثال بذرمنش (دانشگاه شهيد چمران اهواز، ۱۳۹۴) در پايان‌نامه‌ی خود با عنوان نقش غلامان و بردگان ترک در جامعه ایرانی از آغاز سامانيان تا فروپاشي ايلخاناتان بيشتري به نقش بردگان در دستگاه نظامي و مسائل سياسي سامانيان پرداخته است. مورد ديگر پايان‌نامه‌ی با عنوان اوضاع اجتماعي -

اقتصادی خراسان در عهد سامانیان نوشته سمیرا مریدی (دانشگاه لرستان، ۱۳۹۲) می‌باشد که در آن مطالب خوبی پیرامون ورود بردگان و کارکرد آن‌ها در عصر سامانی ذکر شده است. هاجر کریمی (دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان بررسی وضعیت تجارت برده در ماوراءالنهر در قرون سوم و چهارم هجری دوره زمانی و قلمرو سامانیان را مورد بررسی قرار داده است، اما محتوای آن متمرکز بر دوره‌ی سامانیان نیست. بسیاری از آثار مورد اشاره، به تجارت برده به‌عنوان یک موضوع فرعی پرداخته‌اند و یا به نقش سامانیان در تجارت برده در خراسان و ماوراءالنهر به‌صورت عمیق و مستقل نپرداخته‌اند. در هر حال، با توجه به این که تاکنون به مسئله تجارت برده در دوره‌ی سامانیان و نقش، چرایی و منافع آن‌ها در این تجارت پرسود به‌صورت مستقل پرداخته نشده است، بررسی تجارت برده در دوره‌ی سامانیان ضرورت یافت و براین اساس پژوهش حاضر تلاش دارد به این مسئله توجه ویژه نماید و به پرسش‌های مطرح پاسخ دهد.

برده‌داری و تجارت برده در قرون نخستین اسلامی

برده‌داری در اکثر جوامع پیرامونی در دنیای کهن از جمله در جزیره العرب پیش از اسلام وجود داشت و بردگان از راه‌های مختلفی به آنجا آورده می‌شدند و در نقش‌های مختلفی در میان جوامع عربی بکار گرفته می‌شدند. (سالم، ۱۳۸۰: ۳۳۷؛ علی، ۱۹۷۰: ۵/۵۷۳). پس از ظهور اسلام در جزیره العرب بسیاری از احکام برده‌داری اعراب کماکان در جامعه اسلامی باقی ماند. اگرچه قرآن مجید و سیره‌ی نظری و عملی پیامبر اکرم (ص) درباره مناسبات با بردگان متفاوت بود و رفتار شایسته و انسانی با بردگان و آزاد کردن آن‌ها را به مسلمانان توصیه می‌کرد، اما باگذشت زمان در عمل مسلمانان این توصیه‌ها را بدقت عمل نمی‌کردند و برده‌داری در میان مسلمانان ادامه یافت (رمضان‌پور، ۱۴۰۰: ۵۴). با باز شدن دامنه فتوح اسلامی در شرق قلمرو اسلامی تا ماوراءالنهر و خراسان، ورود بردگان ترک به جامعه‌ی اسلامی تسهیل شد و بازارهای برده در مناطق مختلف جهان اسلام برپا گردید (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۰ و ۳۱). دوره‌ی اموی در گسترش برده‌داری نقش عمده‌ای را داشت. بر اساس گزارش منابع این دوره، حتی شهرهای مکه و مدینه بازارهای بردگان زیادی داشتند و خلفای اموی بردگانی را در بین مردم این دو شهر تقسیم می‌کردند (طبری، ۱۳۷۵:

۹/ ۳۸۴۹؛ حتی، ۱۳۴۴: ۱/ ۰۶ - ۳۰۴). با پایان گرفتن فتوح مسلمانان و شروع خلافت عباسیان، واردات برده از مناطق مختلف غیرمسلمان نشین مورد توجه تاجران برده واقع شد (Barker, 2021: 107؛ متز، ۱۳۸۸: ۱۰ - ۵۰۷). مناطقی مانند شمال آفریقا، بالکان، خراسان و ماوراءالنهر و هندوستان از دیرباز در تجارت برده شهرت داشتند (علی، ۱۹۷۸: ۴/ ۲۰ - ۱۱۹؛ Freamon, 2019: 82 - 84). تجارت برده در دوره‌ی اسلامی نیز پس از یک وقفه کوتاه مدت، مجدد برقرار گردید. پس از پایان گرفتن عصر فتوح، جامعه‌ی اسلامی برای تأمین برده به تجارت و وارد نمودن آن از دیگر مناطق اقدام نمود. در واقع، عصر فتوح و تبدیل اسرای مناطق فتح شده به بردگان منجر به این گردید که در جامعه‌ی اسلامی، برده‌داری رونق بگیرد و بازارهای برده در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به وجود بیاید. چنان‌که باسورث اشاره می‌کند که جنگ و تاخت‌وتاز ادامه یافت و اسیرانی در این جنگ‌ها به دست مسلمانان می‌افتادند که آن‌ها را برای بردگی به خانه‌ها می‌بردند و اقتصاد سرزمین‌های مرکزی جهان اسلام نیاز فزاینده‌ای به این بردگان داشت (۱۳۷۰: ۴۵).

بعلاوه، بخش زیادی از بردگان که حاصل لشکرکشی‌های مداوم بود، مسئله‌ی نگهداری آن‌ها مطرح بود. بر طبق احکام اسلامی، یک‌پنجم اسرای جنگی برای خلیفه ارسال می‌شد و مابقی میان سربازان (مجاهدان) مسلمان تقسیم می‌شد. با گسترده شدن فتوح و به دست آمدن بردگان بسیار، سهم زیادی به سربازان و امرای مسلمان می‌رسید و چون تأمین هزینه‌ها مخارج این بردگان سخت بود، عمدتاً آن‌ها را به بازارهای برده‌فروشی می‌بردند (رمضان پور، ۱۴۰۰: ۳۳ - ۱۳۰). از طرف دیگر، برده‌داری بخشی از مشغله‌ی مردم شهرها و روستاها شد، به طوری که تجارت برده به صورت قانونی درآمد (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲/ ۲۸۴). پژوهشگرانی که پیرامون برده‌داری در میان مسلمانان به مطالعه پرداخته‌اند معتقدند که تجارت برده در میان مسلمانان بیش از هر چیز تحت تأثیر قوانین روم و بیزانس در این زمینه بوده است که اعراب پیش از اسلام آن‌ها را توسعه دادند و از طریق آنان به مسلمانان رسیده است (Crone, 2002: 46 - 50؛ Gordon, 2021: 343 - 344؛ Feramon, 2019: 60 - 61). برنارد فریمن معتقد است که حق و حقوق و تعهدات

بردگان آزادشده (موالی) عملاً اقباسی از قوانین رومی بوده است (Freamon, 2019: 61).
 با این حال، تفاوت‌هایی نیز میان قوانین رومی و احکام اسلامی برده‌داری مانند ازدواج فرد آزاد با برده وجود داشت که در قوانین روم منع شده بود اما در میان مسلمانان این امر رایج بود (Idem).
 بردگان واردشده نقش‌های مختلفی را بر عهده می‌گرفتند. بردگان سیاه که از شمال آفریقا وارد می‌شدند، اغلب برای کارهای سخت شهری و کشاورزی بر روی زمین‌ها وارد می‌شدند (منزوی، ۱۳۳۲: ۶۳). بردگان ترک بیشتر در خدمات نظامی به کار گرفته می‌شدند و در این نقش موفقیت‌های زیادی حاصل نمودند تا جایی که در قرن سوم هجری هسته‌ی اصلی سپاه خلافت عباسی و امرا و حکام محلی نقاط مختلف جهان اسلام را غلامان ترک تشکیل می‌دادند (Bosworth, 2000: 76 - 77; Gordon, 2021: 356 - 57; اشپولر، ۱۳۶۹: ۳۶۸/۲). بردگان سفید که معروف به صقلابی بودند، اغلب خواجه می‌شدند و از اروپا وارد می‌شدند (مقدسی ۱۳۶۱: ۳۴۸/۱ ابن فضلان، ۲۵۳۵: ۹۰-۸۰) و به خدمات شهری گماشته می‌شدند و زنان برده نیز نقش‌های مختلفی همچون نوازندگی، موسیقایی، بزمی، خدمات خانگی و شهری و بهره‌دهی جنسی بر عهده داشتند و برای این امور تربیت می‌شدند (اصفهانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/۰۶-۱۰۴؛ جاحظ، ۱۳۶۸: ۱۳۹؛ زیدان، ۱۳۷۲: ۸۹۱). با توجه به مطالب ذکرشده، می‌توان به‌مانند متیو گوردون (Matthew Gordon) نتیجه گرفت که در زمان خلافت عباسی اتکای زیادی به کار بردگان وجود داشته است (Gordon, 2021: 360).

خراسان و ماوراءالنهر پیش از عصر سامانیان منبعی برای تأمین برده دستگاه خلافت به حساب می‌آمدند. اگرچه منابع در فتح خراسان گزارش کم‌تری از برده‌گیری مسلمانان را ذکر کرده‌اند و گزارش شده است که بیشتر شهرهای آن را با صلح فتح کردند، اما در مورد ماوراءالنهر اطلاعات بیشتری در اختیار ما می‌گذارند. مثلاً درباره‌ی شهر بیکنند و فتح اولیه‌ی بخارا، تعداد زیادی زن و مرد برده شدند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۵۳). در گزارش طبری درباره‌ی فتح سمرقند و دیگر شهرهای سغد نیز آمده است که عده‌ی زیادی به بردگی مسلمانان درآمدند (۱۳۷۵: ۵۵/۹ - ۳۸۵۴). فتح خوارزم نیز همراه با برده شدن عده‌ی زیادی شد تا جایی که تعداد بردگان این فتح را تا صد هزار

ذکر کرده‌اند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۲-۲۴۱؛ طبری، ۱۳۷۵: ۹/ ۳۸۵۴). گفته شده است بعدها که فتوح مسلمانان پایان یافت، حاکمان برای خلافت، بردگانی را به عنوان هدیه و خراج می‌فرستادند. در خراجی که طاهریان برای خلیفه عباسی می‌فرستادند، بردگان جزو اقلام این خراج بود (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۱۴۱؛ باسورث، ۱۳۷۰: ۶۵).

اقتصاد تجاری سامانیان

پیش از سامانیان و حتی پیش از ورود مسلمانان به خراسان و ماوراءالنهر، این مناطق پیونددهنده‌ی غرب و شرق جهان به یکدیگر بودند و اهمیت به سزایی را در جاده‌ی ابریشم داشتند (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/ ۱۹۸ - ۱۷۰؛ فرانکوین، ۱۳۹۴: ۲۶؛ Negmatov, 1998: 4/ 90 - 92). از میان اقوام ایرانی، سغدیانی که ارتباط طولانی و گسترده‌ای با جاده ابریشم داشتند در تجارت ممتاز بودند (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲/ ۲۲۰). نظر به اهمیت و ارزش اقتصادی جاده‌ی ابریشم، سامانیان در محافظت بخشی از این جاده که از قلمرو ایشان می‌گذشت، نهایت سعی را مبذول می‌داشتند (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱۲).

برخی از پژوهشگران بازسازی تاریخ شرق ایران در سده‌های سوم و چهارم قمری/ نهم و دهم میلادی را به دلیل اطلاعات اندک پیرامون وقایع سیاسی و اجتماعی این دوره را مشکل می‌دانند (تردول، ۱۳۹۴: ۵). با این حال، حمایت سامانیان از ادبا و عالمان منجر به نگارش آثار نسبتاً زیادی در مسائل جغرافیایی و ادبی گردید. از این رو، شناخت وضع تجاری این دوره از طریق این آثار فراهم گردیده است. قرار گرفتن بر سر شاهراه‌های تجاری سبب شده بود که سامانیان بیش از هر موضوعی بر روابط تجاری متمرکز گردند. سامانیان ابتدا در ماوراءالنهر و سپس در خراسان قدرت یافتند و بخش عظیم و پرسودی از روابط تجاری سرزمین‌های اسلامی با شرق و غرب عالم را در اختیار گرفتند. ناجی می‌نویسد: «حیات اقتصادی و مایه‌ی ثروت و مکنت در روزگار سامانیان عمدتاً بر پایه تجارت قرار داشته و شکوفایی کشاورزی، صنعت و معدن نیز درگرو بازرگانی بوده است.» (۱۳۸۶: ۳۱۲). اکثر منابع جغرافیایی از آبادانی راه‌های تجاری خراسان و ماوراءالنهر و پویایی تجارت

این دو ناحیه در زمان سامانیان گزارش می‌دهند. به طور مثال، ابن حوقل در توصیف بازارها و کاروانسراهای شهرهای خراسان به مانند نیشابور از رونق آن بازارها خبر می‌دهد (۱۳۶۶: ۶۸ - ۱۶۷). در توصیف شهرهای ماوراءالنهر بیش از هر چیزی وصف بازارها و کالاهای تجاری این ناحیه منابع را تحت تأثیر خود قرار داده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۲ - ۱۷۱؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۳۵ - ۲۲۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲ / ۴۱۴ - ۴۰۱).

پس از فتوح اسلامی و فراهم شدن شرایط تجارت گسترده، اهمیت تجاری این مناطق بر فاتحان مسلمان پوشیده نبود و به همین دلیل در جهت حیات بخشی به تجارت آنجا اقداماتی انجام دادند. خصوصاً که اعراب مسلمان در طی فتوح و با انگیزه‌های اقتصادی، توجه ویژه‌ای به دسترسی بر راه‌ها و مراکز تجاری داشتند (فولتس، ۱۳۹۹: ۸۵؛ پورشریعتی، ۱۳۹۹: ۳۷۰؛ ایمان پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۱) و این راه‌ها و مراکز تجاری در این زمان نقش عمده‌ای در تجارت دوره سامانیان ایفا می‌کردند.

سامانیان در همین راستا توسط دستگاه خلافت و حکومت طاهری خراسان مأمور برقراری امنیت و آرامش ماوراءالنهر شدند. هنگامی که قدرت سامانیان علاوه بر ماوراءالنهر، خراسان و قسمت‌های شرقی ایران را در بر گرفت، سیاست‌های تجاری خاصی را در پیش گرفتند. آن‌ها علاوه بر ایجاد آرامش و ثبات در قلمرو خود و وحدت سیاسی، راه‌های تجاری را گسترش دادند، کاروانسراهای جدیدی را احداث کردند و یا قدیمی‌ها را نوسازی کردند و سیاست مالیاتی مناسب بر کالاهای تجاری را به کار گرفتند. از این‌رو، در عصر سامانی، خراسان و ماوراءالنهر به کانون بازرگانی مهمی در جهان تبدیل شد و سامانیان با نقاط مختلف مانند چین، هند، تبت، اروپای شرقی و شمالی، خزران، بیزانس و مرکز خلافت عباسی، روابط تجاری برقرار کردند (زمانی محبوب؛ رودگر، ۱۳۹۴: ۱۰۳ - ۷۷). وضع بازرگانان در دوره‌ی سامانیان دستخوش تغییر شد. دهقانان به سوی پایتخت مهاجرت می‌کردند و در مجاورت دربار سامانیان ساکن می‌شدند. کالاهای گوناگونی به مبادی متعدد تجاری ماوراءالنهر و خراسان وارد و از آن‌جا به سایر نقاط سرزمین‌های خلافت توزیع و یا به خارج از قلمرو صادر می‌شد. تجارت داخلی محدودیتی نداشت. امنیت راه‌ها و عوارض گمرکی کم

و سیاست‌های توسعه‌ی تجاری باعث رونق تجارت شد (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱۲). بازرگانان ماوراءالنهر به خاطر تجارت با سرزمین‌های دیگر از جمله چین به ثروت رسیده بودند. در باستان‌شناسی‌های اخیر و همچنین بر طبق منابع جغرافیایی مسلمانان، فعالیت بازرگانان سغدی تا سرزمین‌های دور در شرق در قسمت‌های شرقی سرزمین سینکیانگ چین گسترده بود. طبری از بازرگانان سغدی در ردیف شاهان نام می‌برد. مقام اول در تجارت با چین از آن سغدیان بود (همان، ۳۱۹).

سامانیان برای رونق بخشیدن به تجارت در قلمرو خود سعی داشتند دوستی امرای محلی پیرامون خود را جلب کنند. این امیران شامل خوارزمشاه می‌شد که حاکم بسیار ثروتمند و مقتدری بود و مملکتش در دو سوی سودآورترین راه تجاری منطقه قرار داشت که فرارود را به حوزه‌ی ولگا و سرزمین‌های شمالی پیوند می‌داد. از همین سرزمین‌های جنگلی بود که ارزشمندترین کالا یعنی پوست و برده تأمین می‌شد. سامانیان همچنین دوستی امرای جزء ترک در ناحیه سیر دریا را جلب می‌کردند و آن‌ها عشایر خود را به مرزبانی در برابر قبایل درون استپ می‌گماشتند و در عوض همکاری‌شان از امتیازات تجاری و مالیاتی برخوردار می‌شدند (تردول، ۱۳۹۴: ۱۰). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سامانیان امنیت مرزهای شرق و غرب ماوراءالنهر را بر عهده خاندان‌ها و قبایل پرنفوذ محلی واگذار کرده بودند.

چنان‌که پیش‌ازین گفته شد، ارتباط تجاری سامانیان با مناطق مختلف جهان برقرار بود. با این حال، برای موضوع مورد مطالعه‌ی پژوهش، ارتباط تجاری سامانیان با ترکان دشت‌ها و استپ‌های آسیای مرکزی و اروپای شرقی و شمالی اهمیت بیشتری دارد. بر طبق منابع جغرافیایی، اغلب شهرهای مرزی ماوراءالنهر که در مجاورت با سرزمین ترکان بودند، ارتباط تجاری آن‌ها با ترکان چادرنشین بود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۱۷؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۷). از شمار فراوانی سکه‌های سامانی پیدا شده در اروپای شرقی و اسکاندیناوی می‌توان دریافت که سامانیان به بازرگانی با سرزمین‌های دوردست دل‌بستگی داشتند (فرای، ۱۳۵۸: ۲۲۳). چنان‌که بیشتر گنج‌های نقره متعلق به سده‌های دهم و یازدهم میلادی / چهارم و پنجم هجری که در روسیه، لهستان و اسکاندیناوی از زیرخاک درآورده‌اند، درهم‌های سامانی‌اند (مایلز، ۱۳۸۵: ۳۲۵؛ Korpela, 2019: 62).

شواهد نشان می‌دهد که بیشتر تجارت با این مناطق را بردگان شکل می‌دادند و این درهم‌های سامانی برای خرید برده صرف می‌شدند.

تجارت برده در خراسان و ماوراءالنهر

تجارت در عصر سامانی گسترش یافت. از جمله کالاهایی که تجارت آن رونق گرفت، بردگان بودند. از مهم‌ترین دلایل رونق تجارت برده در این عصر، تقاضای برده توسط دستگاه خلافت عباسی بغداد و اتکای زیاد آنان به کار بردگان بود که هم در نیروی نظامی قابل مشاهده بود و هم در بخش‌های مختلف اجتماعی (Gordon, 2021: 360). برده‌داری نظامی در قرن سوم هجری توسط مسلمانان به این دلیل گسترش یافت که آن‌ها توانستند از طریق قفقاز و ماوراءالنهر به منبع عظیمی از نیروی انسانی (برده) در جنوب روسیه و استپ‌های آسیای مرکزی دست یابند (Bosworth, 2000: 774 -6). از زمان خلافت هارون الرشید، غلامان ترک به‌عنوان نگهبان در بغداد و لشکر خلیفه مورد استفاده واقع شدند (Idem). اصطخری نقل می‌کند: «و به همه روزگار لشکر ترک بر دیگر گروه مقدم بودند. خلفا همیشه لشکر ترک اختیار کرده‌اند، سبب آن که در سرشت آن‌ها نهاده است از نیک خدمتی، فرمان‌برداری، مردانگی و وفاداری» (۱۳۴۰: ۳۰ - ۲۲۹). سامانیان خود نیز به تبعیت از خلافت عباسی، بردگان ترک را در خدمات نظامی به کار گرفتند (Gordon, 2021: 360). خواجه نظام‌الملک، وزیر پرنفوذ دولت سلجوقیان در سیاستنامه خود درباره آموزش و به‌کارگیری بردگان در امور نظامی توسط سامانیان، گزارش ارزش‌مندی را نقل کرده است (۱۳۶۴: ۱۴۱-۴۲).^۳ مناطق خراسان و ماوراءالنهر به دلیل همسایگی با سرزمین‌های غیرمسلمان نشین ترک و چین و هم‌چنین اروپای شرقی و هم‌چنین به دلیل عبور شاهراه‌های تجاری ابریشم و ادویه از این مناطق بیش از دیگر مناطق برای تجارت برده مورد توجه واقع شدند. در حقیقت، از یک طرف، حاکمان مسلمان این مناطق با لشکرکشی به مناطق ترکستان و غور عده‌ی زیادی برده را با خود می‌آوردند. از طرف دیگر از طریق راه‌های تجاری بردگان را از مناطق مختلف مانند اروپای شرقی وارد و از آنجا به سرزمین‌های دیگر صادر می‌کردند.

خراسان

شهرهای خراسان که در امتداد راه ابریشم قرار داشتند، بازارهای پررونقی داشتند که بردگان مختلف از سرزمین‌های مجاور را برای خرید و فروش بدان جا می‌آوردند. ابن حوقل می‌نویسد که «ستور و برده و انواع طعام و پوشاک و سایر نیازمندی‌های مردم خراسان به اندازه کافی هست و به سایر اقطار نیز حمل می‌کنند. گران‌بهارترین ستور از بلخ و گران‌بهارترین برده از بلاد ترک است که در سراسر دنیا بی‌نظیر است و برده‌ای در بها و زیبایی بدان نرسد؛ و من برده‌های متعددی دیدم که در خراسان به سه هزار دینار فروخته شد. بهای کنیز ترکی به سه هزار دینار می‌رسد و در سراسر دنیا برده و کنیزی رومی یا مولده ندیدم که بدین بها باشد و نیز هرگز شنیده نشده است مگر این که بدره‌ای آلت سماع داشته و در ساز زدن استاد باشد و از این قبیل در خانه‌های سامانیان و بزرگان و سران مردم خراسان بسیار است.» (۱۳۶۶: ۱۸۵). معمولاً بردگانی که به ماوراءالنهر وارد می‌شدند ابتدا به خراسان آورده شده و سپس از آنجا به سایر نقاط جهان اسلام و یا دیگر سرزمین‌ها فرستاده می‌شدند. همچنین برخی از انواع برده مستقیم به خراسان وارد می‌شدند. از غور بردگان را به هرات، سیستان و خراسان می‌آوردند (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۱). خراسان از سمت جنوب شرقی با هندوستان هم‌مرز بود و ظاهراً بردگانی از آنجا به خراسان ارسال می‌شد. در مورد وجه تسمیه هندوکش به نقل از ابن بطوطه، سفرنامه نویسنده قرن هشتم قمری گفته شده است که «در راه ما کوهی واقع بود که هندوکش نامیده می‌شود یعنی قاتل هندوها؛ چون بردگان و کنیزکانی که از هند می‌آوردند اغلب از شدت سرما و یخبندان در این کوه‌ها تلف می‌شوند، نام آن را هندوکش نهاده‌اند» (بخارایی، ۱۳۷۷: ۲۳۶). اگرچه در منابع دوره‌ی سامانی به تجارت برده با هند اشاره‌ای نشده، اما هند در دوره‌ی حکومت بعدی، یعنی غزنویان، منبع عمده‌ی کسب برده به شمار می‌رفت (Anooshahr, 2021: 365).

ماوراءالنهر

عامل اقتصادی مهم در ماوراءالنهر، تجارت بردگان ترک آسیای میانه بود که تقاضا برای آن در سده سوم هجری / نهم میلادی بسیار بالا بود. طاهریان و بعدها سامانیان تجارت برده را در این

نواحی زیر نظارت خود داشتند. تجارت برده هم به رونق اقتصادی آن جا کمک می کرد و هم به ثروت خصوصی عظیم طاهریان و سامانیان. این بردگان بخشی از خراجی را تشکیل می دادند که طاهریان و سامانیان به بغداد می فرستادند (باسورث، ۱۳۸۵: ۴/ ۸۸).

عمده‌ی مباحث پیرامون تجارت برده در ماوراءالنهر پیرامون دو نوع برده است. یکی ترکان و دیگری، بردگان سفید اروپایی که با عنوان صقلی یا اسلاوی در منابع یادشده‌اند. در این زمان در ترکستان اقوام و قبایل مختلف نیز با یکدیگر درگیر بودند و اسرای طرف مقابل را به عنوان برده به بازارهای مرزی ماوراءالنهر مانند اسپبیجاب و فرغانه برای فروش می آوردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۷۷). کالاهایی همچون نان، خشکبار، پارچه، اسلحه و ظروف از مناطق کشاورزی و شهرهای ماوراءالنهر به سوی عشایر ترک فرستاده می شد و در ازای آن، دام، پشم، پوست خشک شده و بردگان را به بازارهای ماوراءالنهر و خراسان می آوردند (Negmatov, 1998: 4/ 90). پیگولوسکیا و دیگران، ۱۳۶۳: ۲۴۳). منابع جغرافیایی وصف زیادی را از بردگان ترک ماوراءالنهر در اختیار ما می گذارند. «بردگان آن جا (ماوراءالنهر) از ترکانی است که در پیرامون ماوراءالنهر سکونت دارند و در این سرزمین برده بیش از حد نیاز است و به جاهای دیگر می برند و برده‌ی آنجا بهتر و زیباتر و گران بهاتر از بردگان سایر نواحی است.» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵). عمده‌ی شهرت شهرهای مرزی ماوراءالنهر مانند اسپبیجاب و فرغانه به بردگان ترک آن است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۷۷). در مورد ولایت ختلان گفته شده است که دو شهر و خان و سفینه منبعی برای غلام و کنیز است و این دو شهر غیرمسلمان (کافر) هستند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۳؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۰۴). مقدسی در مورد سمرقند به بردگان بسیار زیاد آن اشاره می کند (۱۳۶۱: ۲/ ۰۲ - ۴۰۱). از جمله شهرت سمرقند به نوع برده آن بود. ابن حوقل می نویسد: «بناهای سمرقند از گل و چوب است و مردم آن به زیبارویی معروف‌اند و در جوان مردی و خرج کردن مال و توجه به خود بر اکثر بلاد خراسان برتری دارند تا آنجا که مال و ثروت خود را در این راه از دست می دهند. این شهر مرکز بردگان ماوراءالنهر و بهترین بردگان این منطقه پرورش یافته‌ی سمرقند است.» (۱۳۶۶: ۲۲ - ۲۲۱)

در مورد خوارزم نیز گفته شده است که عمده‌ی توانگری مردم خوارزم از بازرگانی ترک است و برده‌ی صقلی و خزری بیشتر در آن پیدا می‌شود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۳۳۹؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۶؛ بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۵۰۵). در واقع خوارزم گلوگاه خراسان و ماوراءالنهر برای بردگان سفید اروپایی به شمار می‌رفت. بردگان سفید اروپایی که توسط اقوام وایکینگ و بلغار به اسارت گرفته می‌شدند، توسط تاجران مختلف و از جمله یهودیان راذانی^۴ که به زبان‌های مختلف صحبت می‌کردند و در تجارت برده معروف بودند (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۶-۱۴۵؛ ابن فقیه، ۱۳۷۹: ۱۰۷)، به سرزمین خوارزم و ماوراءالنهر آورده می‌شدند. در شمال اروپا نیز اقوام وایکینگ، روس و اسلاو به دیگر سرزمین‌های اروپایی حمله و مردم را به بردگی می‌گرفتند و سپس تاجران برده از طریق بیزانس، اندلس، قفقاز و ماوراءالنهر به سرزمین‌های اسلامی وارد می‌کردند (فرانکوپین، ۱۴۰۰: ۱۰۹؛ Whitfield, 2018: 259). ابن فضلان می‌نویسد: «در بخارا چند قسم درهم مشاهده نمودم از جمله درهم‌های غطریفی از جنس مس و مس زرد که یک‌صد دانه‌ی آن معادل یک‌درهم نقره می‌باشد. در معاملات املاک و برده و همچنین دادن مهریه زنان از این نوع درهم استفاده می‌کنند.» (۲۵۳۵ ش: ۶۳). این نوع درهم‌ها فراوان در اسکانندیناوی، اروپای شرقی و سرزمین‌های روس‌های وایکینگ به‌دست‌آمده است که می‌تواند دلیل واضحی بر تجارت برده‌ی این مناطق با دولت سامانی باشد و از رابطه تجاری آن‌ها با بلغارها پرده برمی‌دارد (Barker, 2021: 107). بر اساس گزارش مقدسی مردان برده صقلی را به اندلس می‌بردند و آن‌ها را اخته می‌کردند و به‌صورت خواجه به جهان اسلام وارد می‌ساختند (۱۳۶۱: ۱/۳۴۸). این بردگان از خوارزم به محل اصلی تعلیمات برده، یعنی سمرقند وارد می‌شدند که از سال ۵۸ ه.ق / ۶۷۸ م. مرکزیت واردات برده از بلغار در سواحل ولگا را داشت. بردگان سفید قیمت بیشتری داشت و تا ۳۰۰۰ دینار به فروش می‌رسید (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲/۳۳۹).

انحصار تجارت برده توسط سامانیان

تجارت برده از قرن دوم هجری رشد و توسعه یافت و از جمله مناطق مهم برای این نوع تجارت، خراسان و ماوراءالنهر بود. سامانیان به‌عنوان حاکمان مناطق مرزی در ماوراءالنهر در این تجارت

نقش مهمی داشتند. آن‌ها پس از گسترش قلمرو، این تجارت را به انحصار درآوردند. قلمرو سامانیان از شرق سرزمین‌های چین و هندوستان، از غرب بغداد مرکز خلافت عباسی و مرکز مهم تجارت داخلی جهان اسلام بود (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱۲). از این رو، بخش‌های مختلف تجارت را زیر نظر خود گرفتند.

بر اساس گزارش منابع اولیه، می‌توان واژه‌ی انحصار را که اشیپولر (۱۳۶۹: ۸۴/۲ - ۲۸۳)، برای تجارت برده در این دوره برای سامانیان به کار برده است را مورد استفاده قرار داد. مقدسی (م. ۳۸۰ ق) که کتاب خود *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* را در نیمه‌ی دوم سده‌ی چهارم هجری به نگارش درآورد، گزارش‌های مفصلی از مالیات بستن سامانیان بر کالاهای پر سودی همانند برده را در مرزهای خود، ارائه می‌دهد. در گزارش وی آمده است: «مالیات‌ها سبک هستند و تنها برای بردگان در کرانه‌ی جیحون [سنگین] است و سخت‌گیری می‌شود. هیچ غلام بی‌اجازه نامه ویژه از سلطان، حق گذشتن از آب را ندارد. هفتاد تا صد درم نیز همراه جواز می‌ستانند. همین اندازه نیز از کنیزکان مالیات می‌گیرند، ولی درباره اینان اگر ترک باشند جواز لازم نیست. از زنان نیز بیست تا سی درم و از شتر دو درم و از کالای هر سوار یک درم می‌ستانند.» (۱۳۶۱: ۴۹۹/۲). این گزارش نشان می‌دهد که علت این سخت‌گیری مالیات بر بردگان در این امر نهفته است که سامانیان خود واردکننده برده و یا اسیرکننده‌ی بردگان بودند و در زمان وفور بردگان - که سامانیان کنترل بازار آن‌ها را در دست داشتند - قیمت پایینی حدود ۲۰ تا ۳۰ درهم به فروش می‌رسید (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲/۲۸۴). می‌توان از محتوای این گزارش مقدسی نیز چنین برداشت نمود که تنها کالاهایی که حتماً می‌بایست جواز ورود و خروج را داشته باشند، بردگان بودند و نسبت به سایر کالاهای تجاری مالیات سنگین‌تری بر آن‌ها تعیین کرده بودند. سامانیان که بر ماوراءالنهر و خراسان حکومت داشتند، به‌خوبی از تقاضای روزافزون غلامان و بردگان اروپایی در میان مسلمانان آگاهی داشتند و به همین خاطر مالیات بیشتری را از واردکنندگان این دسته از بردگان مطالبه می‌کردند و درآمد زیادی را به دست می‌آوردند و از آنجایی که خود دولت سامانی مصرف‌کننده‌ی نیروی کار بردگان ترک در خدمات نظامی بود، این گروه از بردگان معاف از مالیات بوده‌اند.

علاوه بر مالیات گرفتن از کالای برده، گزارش‌هایی موجود است که از برخی نواحی، برده به‌عنوان خراج می‌گرفتند. برای مثال، یکی از منابع معاصر با سامانیان درباره‌ی خراج خراسان نوشته است که «برخی کتاب‌ها دیده‌ام که اصل خراج خراسان چهل و چهار میلیون و هشتصد هزار و نه صد و سی درم و سیزده درم و از چارپایان بیست سر و دو هزار گوسفند و از بردگان یک هزار و دوازده سر و از پارچه و ورق آهن یک هزار و سیصد قطعه است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۹۸)؛ سامانیان هم‌چنین سالانه مبالغ مختلفی به‌عنوان باج و خراج به خلفای عباسی پرداخت می‌کردند. هدایای ایشان به خلفا در سال ۲۹۸ ق/ ۹۱۰ م غلامان سواره، لباس، مشک، ابریشم و سمور بود (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲/ ۳۵۳). این خراج از زمان طاهریان شامل برده بوده است و قدامه بن جعفر (م. ۳۲۸ ه.ق) در اوایل قرن چهارم هجری می‌نویسد: «و خراج خراسان به همان صورتی بود که عبدالله بن طاهر به سال ۲۲۱ ه.ق با قیمت اسیران و گوسفندان و کرباس‌ها دریافت کرده و ثروتمند گردیده بود، یعنی سی‌وهشت هزار هزار درم (۳۸،۰۰۰ درهم)» (۱۳۷۰: ۱۴۰). ما می‌دانیم که قدامه ماوراءالنهر و خوارزم را بخشی از خراسان می‌داند (همان، ۴۰ - ۱۳۸). بر اساس این داده‌ها، می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از منابع درآمد خراسان و ماوراءالنهر، بردگان بود که از راه‌های مختلف کسب می‌شد، از این‌رو، چه خراجی که حاکمان محلی به سامانیان می‌پرداختند و چه خراج یا هدایایی که دولت سامانی به خلافت عباسی ارسال می‌کرد، برده در آن قرار داشت.

یک روایت از زندگی خصوصی امیر سامانی نشان می‌دهد که امرای سامانی بردگان زیادی را در خدمت شخصی خود گماشته بودند. در این روایت آمده است که نصر بن احمد (دوره امارت از ۳۰۱ ه.ق تا ۳۳۱ ق) حدود ده هزار برده در خدمتش بودند و این عدد به‌غیر از سپاهیان بود که اطراف او بودند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/ ۱۶۱).

پیش‌ازاین نیز گفته شد که سامانیان و دیگر امرای محلی ایران به تبعیت از دستگاه خلافت عباسی، اسرای ترک و به‌زودی غلامان زرخرید آن‌ها را به کارهای لشکری وارد کردند. در حقیقت داستان ورود ترکان به دربار خلافت عباسی در کتاب *البلدان* چنین آمده است: «جعفر خشکی مرا خبر داد که معتصم در دوران مأمون مرا برای خرید ترکان به سمرقند نزد نوح بن اسد

می‌فرستاد و هر سال جماعتی از آنان را نزد وی می‌آوردم تا آنکه در زمان مأمون در حدود سه هزار غلام از ایشان برای وی فراهم گشتند، پس چون خلافت بوی رسید در جستجوی ترکان اصرار ورزید و از بردگان مردم هر که را در بغداد بود خرید». در ادامه نیز توضیح می‌دهد که چگونه معتصم شهر سامرا را برای ترکان ساخته است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۹). اصطخری (م. ۳۴۶ ه.ق) نیز در کتاب خود مسالک و ممالک نقل می‌کند که ترکان در امر نظامی مقدم بر دیگران هستند و اشاره می‌کند که خلفا لشکر ترکان اختیار کرده‌اند (۱۳۴۰: ۲۲۹).

سامانیان در دفعات متعدد (۲۹۹ یا ۳۰۰ ه.ق / ۹۱۲ م، ۳۱۵ ق / ۹۲۷ م و حدود ۹۹۸ م برابر با ۳۸۸ ه.ق) هر بار عده‌ی زیادی برده ترک را به شغل سپاهی گماشتند، به‌خصوص در پیکار با طبرستان، گرگان و دیلم؛ حتی امیران این نواحی نیز به پیروی از این عمل ناگزیر شدند و آل‌بویه نیز بعدها به همین شیوه رفتار کردند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۵۶). دستگاه نظامی سامانی آموزش‌های منظمی را به ترکان می‌دادند (نظام الملک، ۱۳۶۴: ۴۲-۱۴۱) و این غلامان ترک بر اساس لیاقت‌های خود، پله‌های رشد و ترقی را تا مرحله سپهسالاری به‌دست می‌آوردند و نیمه‌ی دوم دوره سامانی، اوضاع سیاسی و نظامی خراسان و ماوراءالنهر متأثر از این امیران ترک قدرت یافته شده بود (همان، ۱۴۱؛ Bosworth, 2000: 774-6؛ فرای، ۱۳۵۸: ۲۲۰). شمار ترکان در شرق فزونی گرفت. این افزایش یا از راه داد و ستد بندگان بود یا از جایگزین شدن آنان در سرزمین‌های اسلامی چه به‌صورت گروهی، چه قبیله‌ای و یا چه انفرادی (فرای، ۱۳۵۸: ۲۳۱). اگرچه هسته بومی سپاهیان سامانی نیز وجود داشت. رابطه‌ی نزدیک امیران سامانی با بزرگان شهرهای بخارا و سمرقند باعث می‌شد که نیروهای داوطلب آن‌ها در خدمت سامانیان باشند و جدای از هسته نظامی ترک، حمایت دسته‌های نظامی خاندان‌های بزرگ را داشته باشند. در یک مورد قابل توجه، مطو‌عه‌ی بخارا توانست در برابر ۶ هزار سرباز غلام که می‌خواستند شخص مورد نظر خود را بر تخت سامانیان بنشانند، از شهر دفاع کند (تردول، ۱۳۹۴: ۱۱ - ۱۰).

سامانیان پیش از این که به‌صورت رسمی قدرت یابند و هنگامی که در واقع تابع طاهریان بودند نیز در امر برده‌گیری فعالیت داشتند، مثلاً طولون جد خاندان طولونیان توسط احمد بن نوح

سامانی، حاکم گماشته‌ی طاهریان در ماوراءالنهر در سال ۲۰۰ به بردگی درآمده و برای مأمون، خلیفه‌ی عباسی فرستاده شد (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۳۱). با این حال با شروع حکومت فعالیت‌های برده‌گیری از مناطق غیرمسلمان را آغاز کردند. شاید یکی از گزارش‌های مهم، واقعه‌ی فتح شهر طراز توسط امیر اسماعیل باشد. در سال ۲۸۰ ه.ق / ۸۹۳ م. اسماعیل بن احمد سامانی پایتخت پادشاه ترکان را گشود و «پدر پادشاه را اسیر کرد همچنین بانوی او که خاتون باشد و ده هزار اسیر گرفت و بسیاری را کشت. چهار پایان و حشم هم بی‌عدد و حد و شمار ربود و به هر سواری از اتباع او هزار درهم رسید» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸ / ۲۹۸). به روایت دیگر، در همین سال اسماعیل بن احمد که پس از وفات برادرش نصر بن احمد امارت خراسان یافته بود سوی دیار ترک شتافت و شهری را که در آن ناحیه عنوان دارالملک داشت بگرفت و خاتون، همسر شاه را اسیر کرد و پانزده هزار کس از ترکان را اسیر گرفت و ده هزار کس بکشت. (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۳۹) سامانیان به شیوه‌ی امرای عرب عمل می‌کردند و تعداد زیادی برده‌ی ترک از استپ‌های آسیای مرکزی و اسلاوها از تجارت با اقوام اروپای شمالی به دست آوردند (Whitfield, 2018: 257-8). در حقیقت، سامانیان سال‌ها یورش برده‌گیری به داخل آسیای مرکزی را برای تأمین برده‌ی موردنیاز دستگاه خلافت بغداد هدایت می‌کردند. تنها کاری که آن‌ها باید انجام می‌دادند این بود که غارت کالای انسانی را حفظ کنند و آن‌ها را آموزش دهند (Anooshahr, 2021: 363). انگیزه‌های پیشروی سامانیان در شمال و شرق هم اقتصادی بود و هم سیاسی و هم دینی. زیرا به بردگان نیازی همیشگی وجود داشت و بهترین بردگان، ترکان بودند. دادوستد برده و رساندن بردگان به بغداد که بازار گرمی داشت، بخش عمده‌ای از درآمد آن‌ها را تشکیل می‌داد. در زمان سامانیان گرایش ماوراءالنهر به ترکی روزافزون گشت (فرای، ۱۳۵۸: ۲۲۱).

تجارت برده در قرن چهارم هجری / دهم میلادی و با پایان یافتن قدرت سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر رو به افول گذاشت. یکی از نویسندگان عوامل این افول را برشمرده است: «چه عاملی سبب شد که و ارگ‌ها از تجارت با روسیه دست‌بردارند؟ اضمحلال حکومت سامانیان در آسیای میانه حدود سال هزار میلادی که باعث از میان رفتن درهم گردید که تا آن هنگام در

آنجا ضرب می‌شد، در محدوده دریای شرق و شمال روسیه، تنها یک دلیل آن بود که تازه مهم‌ترین آن‌ها نیز نبود. آنچه بیش از آن اهمیت داشت، فقدان عرضه‌ی برده به‌عنوان کالایی تجاری بود؛ عملی که در اثر ممنوعیت این تجارت به‌وسیله‌ی اسقف‌ها و هیئت‌های مبلغان مسیحی در سوئد و نروژ صورت گرفته بود. از زمانی که یک اسقف مسیحی بر سرکار آمد و باورهای مسیحی در گوتلند (جزیره‌ای در سوئد) بر خدایان ژرمن‌ها پیروز شد، تجارت برده در آنجا از میان رفت» (هاوسیگ، ۱۳۹۳: ۱۲ / ۶۴ - ۱۶۳). همان نویسنده بیان می‌کند که کاهش رواج «درهم» دلیل‌هایی غیر از سقوط حکومت سامانیان و محدودیت تجارت برده داشته است و آن افزایش قیمت‌ها مثل پوست خز و کاهش ذخیره‌های نقره بوده است (همان، ۱۶۴). بعد از سامانیان، غزنویان مجدد واردات برده را رونق دادند، در آن دوره تنها منبع کسب برده تغییر کرد و به‌جای آسیای مرکزی و اروپای شرقی، این بار هند محل کسب برده گردید (Anooshahr, 2021:363-65).

نتایج پژوهش

سامانیان به‌عنوان فرمانروایان خراسان و ماوراءالنهر بر راه‌های تجاری مهم قرون نخستین اسلامی استیلا یافتند و تجارت را در قلمرو خود گسترش دادند. از جمله اقلام تجاری که در این دوره مورد توجه واقع شد، برده بود که از طرق مختلف به دست می‌آمد، برخی از آن‌ها در لشکرکشی‌های سامانیان به مناطق اطراف در آسیای مرکزی به دست می‌آمد و عده‌ای را نیز از مناطق دوردست خریداری و به بازارهای برده می‌آوردند و از آنجا به دیگر مناطق جهان اسلام و مرکز خلافت عباسی صادر می‌کردند. تجارت برده به دلایل مختلفی در این دوره رونق گرفت. از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش تقاضای برده در سرزمین‌های اسلامی و خود دستگاه خلافت اشاره کرد. در واقع عباسیان از بردگان در خدمات نظامی استفاده می‌کردند و در قرن سوم هجری / نهم میلادی وابستگی نظامی خلافت به غلامان ترک بر همگان آشکار گردیده بود. امرای دیگر سرزمین‌های اسلامی از جمله سامانیان نیز به تبعیت از خلافت عباسی، نیروهای بردگان را در خدمات نظامی به کار گماشتند و همین موجب شد تا تقاضای غلامان ترک افزایش یابد و به دلیل همسایگی سامانیان با سرزمین ترکستان، سامانیان عهده‌دار تجارت این نوع بردگان برای تمام سرزمین‌های اسلامی گشتند و

از این رو، سود بسیار زیادی از این تجارت نصیب سامانیان می‌گشت. استفاده از بردگان مختص به امور نظامی نبود و بردگان در خدمات مختلف به کار گرفته می‌شدند. به‌طور مثال زنان برده در موسیقی و برپایی مراسم بزم کارکرد زیادی داشتند. بهره‌دهی جنسی از جمله ویژگی‌هایی بود که منابع برای زنان برده بر شمرده‌اند. اگرچه تجارت برده منحصرأ از خراسان و ماوراءالنهر و از سوی سامانیان صورت نمی‌گرفت، اما سامانیان در ورود عناصر برده به سرزمین‌های اسلامی خصوصاً بردگان نظامی نقش به‌سزایی را ایفا نمودند. آن‌ها تجارت برده در قلمرو خود را با بستن مالیات زیاد بر این کالا، به انحصار خودشان درآوردند. واردات برده محدود به بردگان ترک آسیای مرکزی نبود. روابط تجاری سامانیان با اروپاییان و از جمله ساکنین اسکانندیناوی و اروپای شرقی که در صدور برده شهرت داشتند، منجر به واردات بردگان اسلاوی (صقلبی) از این نواحی شد که بیشتر زنان برده این مناطق مورد توجه بود. با از میان رفتن دولت سامانی، مسلمان شدن ترکان آسیای مرکزی و مسیحی شدن اقوام روس و بلغار، تجارت برده رو به افول گذاشت. کوتاه‌سخن اینکه قدرت‌گیری سامانیان منجر به گسترش تجارت برده و سود سرشار را برای آن‌ها به همراه داشت و سقوط آن‌ها از رونق تجارت برده در خراسان و ماوراءالنهر کاست.

پیوست:

۱. علاوه بر بردگی ناشی از جنگ، بردگان از طریق شکارچیان و راهزنان انسان دزیده می‌شدند؛ هم‌چنین خانواده‌های تهیدست و مقروض فرزندان خود را به فروش می‌رساندند و از این طریق به بردگی گرفته می‌شدند.
۲. می‌توان دلایل مختلفی را برای رونق تجارت برده در اینجا ذکر نمود، از جمله گسترده شدن برده‌داری ناشی از فتوح مسلمانان که تقاضای جامعه برای نیروی کار بردگان را افزایش داد. بعد از فتوح برای تامین برده اقدام به خرید آن از دیگر مناطق شد. علاوه بر آن، ثروت ناشی از فتوح، سبب تجمل‌گرایی اعراب مسلمان و استفاده از بردگان برای امور موسیقایی و هم‌چنین بهره‌دهی جنسی گشت و بردگان وارد شده از مناطق متمدن اروپایی، آسیایی و آفریقایی، این نیاز مسلمانان

- را بهتر برآورده می‌ساختند (رمضان پور، ۱۴۰۰: ۱۶۱). در کنار این علل، می‌توان به نقش تجار و بازرگانان برده اشاره کرد که مهم‌ترین آن‌ها بازرگانان یهودی بودند که شبکه‌ی گسترده‌ای از تجارت برده را در آن دوره راه انداخته بودند (ببینید: ایمان پور و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۸ - ۴۳).
۳. خواجه نظام الملک در قسمت «اندر تربیت غلام سرای» چنین می‌نویسد که در عصر سامانیان، بر حسب شایستگی‌ها و آموزش غلام به او درجه می‌دادند. یک غلام که خریداری می‌شد، سال اول اجازه نشستن بر اسب را نداشت و می‌بایست پیاده خدمت می‌کرد، سال دوم به او اسب و یک زین و تازیانه‌ای ساده می‌دادند، سال سوم لباس‌هایش متفاوت می‌شد و همینطور ادامه می‌یافت تا در نهایت، به مرتبه حاجبی و سپهسالاری می‌رسید. خواجه نظام الملک، الپتکین را مثال می‌زند که در دستگاه سامانیان در سن سی و پنج سالگی توانسته بود به مقام سپهسالاری خراسان برسد و خود او هزار و هفتصد برده ترک در خدمت داشته باشد (۱۳۶۴: ۴۲ - ۱۴۱).
۴. یهودیان راذانی از جمله گروه‌هایی بودند که نام آن‌ها در منابع جغرافیایی سده‌های سوم و چهارم هجری به عنوان بازرگانان برده آمده است. فعالیت این گروه منحصر به ایران نبوده است. بر طبق نوشته‌ی ابن خردادبه، آن‌ها به زبان‌های مختلف صحبت می‌کردند و اقلام مختلف تجاری که غالباً ارزشمند بودند، مانند برده را از غرب به شرق و بالعکس می‌بردند (۱۳۷۱: ۴۶ - ۴۵). بسیاری از این بازرگانان در سرتاسر ایران و همچنین ناحیه‌ی خراسان بزرگ و ماوراءالنهر گسترده شده بودند و در شهرهای مختلف که عمدتاً بر سر راه‌های تجاری قرار داشتند، ساکن بودند و شبکه‌ی گسترده‌ای از تجارت در سده‌های نخستین اسلامی توسط آن‌ها طراحی و اجرا می‌شد (برای اطلاع بیشتر ببینید: ایمان پور؛ دیگران، ۱۴۰۲: ۵۰ - ۴۸).

منابع و مطالعات

- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۷۱، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن حوقل، محمد. ۱۳۶۶. سفرنامه ابن حوقل: ایران در صورهِ الارض. ترجمه جعفر شعار. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله. ۱۳۷۱. مسالک و ممالک. ترجمه سعید خاکرند. تهران: میراث ملل.

ابن فضلان، احمد. ۲۵۳۵ ش. سفرنامه. ترجمه ابوالفضل طباطبایی. چ ۲. تهران: شرق.
ابن فقیه، احمد بن محمد. ۱۳۷۹. البلدان. ترجمه محمدرضا حکیمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
ابن مسکویه، احمد بن محمد. ۱۳۷۶. تجارب الامم. ترجمه علی‌نقی منزوی. چ ۶. تهران: توس.
اشپولر، برتولد. ۱۳۶۹. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه مریم میراحمدی. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.

اشپولر، برتولد. ۱۳۸۶. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه جواد فلاطوری. چ ۱. چ ۷. تهران: علمی و فرهنگی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. ۱۳۴۰. مسالک و ممالک. به کوشش ایراج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اصفهانی، ابوالفرج، ۱۴۱۵ ق، الأغانی، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ایمان‌پور، محمدتقی؛ دیگران، ۱۳۹۸، «تهاجم اعراب مسلمان به ایران: عملیات جهادی یا کشورگشایی»، دو فصلنامه جستارهای تاریخی، س ۱۰، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۰۹-۱۲۹.
ایمان‌پور، محمدتقی؛ دیگران، ۱۴۰۲، «نقش یهودیان در تجارت برده در ایران قرون نخستین اسلامی»، فصل‌نامه علمی و پژوهش‌های تاریخی، س ۱۵، ش ۵۹، ص ۴۳-۵۸.

بارتولد، واسیلی ولادیمبروویچ، ۱۳۶۶، ترکستان‌نامه، ترجمه کریم کشاورز، چ ۲، ج ۱، تهران: آگاه.
باسورث، کلیفورد ادموند. ۱۳۷۰. تاریخ سیستان از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان. ترجمه حسن انوشه. تهران: سپهر.

باسورث، کلیفورد ادموند. ۱۳۸۵. «دوره اول غزنوی». فرای و دیگران. تاریخ ایران کمبریج: از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان. ترجمه حسن انوشه. چ ۶، ج ۴. تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۲ - ۱۴۲.

بخارایی، میرزا شمس، ۱۳۷۷، تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر، تصحیح محمداکبر عشیق، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.

بذرمنش، سیده حلیمه، ۱۳۹۴، «نقش غلامان و بردگان ترک در جامعه‌ی ایرانی از آغاز سامانیان تا فروپاشی ایلخانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی بحرانی‌پور، اهواز، دانشگاه شهید چمران.

پورشریعتی، پروانه، ۱۳۹۹، افول و سقوط شاهنشاهی ساسانی، ترجمه آوا واحدی نوایی، چ ۲، تهران: نشر نی.

پیگولوسکایا، ن.و. ۱۳۶۳. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی. ترجمه کریم کشاورز. چ ۵. تهران: پیام.

تردول، لوک. ۱۳۹۴. «سامانیان: نخستین سلسله‌ی دوره‌ی اسلامی در آسیای مرکزی». در: ادموند هرتسیگ و دیگران. ایران در سده‌های نخستین اسلامی. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر مرکز. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، ۱۳۶۸، «رساله القیان»، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، المعارف، ش ۱۸، ص ۱۴۸ - ۱۲۹.

حتی، فلیپ، ۱۳۴۴، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تبریز: کتابفروشی حاج محمداقبر کتابچی حقیقت.

دلریش، بشری، ۱۳۹۲، جایگاه سیاسی غلامان در تاریخ ایران، تهران: هزار کرمان. رمضان پور، حسن، ۱۴۰۰، کنیزان در حجاز و شام: از صدر اسلام تا پایان دوره امویان، مشهد: کلاله خاور.

زمانی محبوب، حبیب؛ رودگر، قنبرعلی. ۱۳۹۴. «تجارت خارجی ماوراءالنهر در دوره‌ی سامانیان». پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. ش ۱۶. بهار و تابستان، ص ۱۰۳ - ۷۷.

سالم، عبدالعزیز، ۱۳۸۰. تاریخ عرب قبل از اسلام. ترجمه باقر صدری نیا، تهران: علمی و فرهنگی. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۵، ج ۹، تهران: اساطیر.

- علی، جواد. ۱۹۷۸ م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۲، ج ۴، بیروت و بغداد: دارالملايين و مکتبه النهضه.
- علی، جواد، ۱۹۷۰ م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۵، بیروت - بغداد، دارالعلم الملايين و مکتبه النهضه.
- فرانکوپن، پیتر، ۱۴۰۰، راه‌های ابریشم: تاریخ جهان از دیدگاهی نو، ترجمه حسن افشار، ج ۳، تهران: نشر مرکز.
- فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۵۸، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- فولتس، ریچارد، ۱۳۹۹، ایران در تاریخ جهان، ترجمه عسکری پاشایی، ج ۳، تهران: نشر دیبایه.
- کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰، کتاب الخراج، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: البرز.
- کریمی، هاجر، ۱۳۸۹، «بررسی وضعیت تجارت برده در ماوراءالنهر در قرون سوم و چهارم هجری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مصطفی پیرمردیان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- مایلز، ج. ک. ۱۳۸۵. «سکه شناسی». در: فرای و دیگران. *تاریخ ایران کیمبریج: از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان*. ترجمه حسن انوشه. ج ۶ ج ۴. تهران: امیرکبیر، ۳۳۰ - ۳۱۵.
- متز، آدام. ۱۳۸۸. *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- مریدی، سمیرا، ۱۳۹۲، اوضاع اجتماعی اقتصادی خراسان در عهد سامانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علاءالدین شاهرخی، خرم‌آباد، دانشگاه لرستان.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۴، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- مقدسی، محمد بن احمد. ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علی‌نقی منزوی. ۲ جلدی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- منزوی، علی‌نقی، ۱۳۳۲، «جنبش بردگان زنگی در جنوب»، فرهنگ نو، ش ۸، ص ۶۸ - ۶۱.

مجهول، ۱۳۶۲، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.

ناجی، محمدرضا. ۱۳۸۶. فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان. تهران: امیرکبیر.
 نظام الملک طوسی، حسن بن علی، ۱۳۶۴، *سیرالملوک* (سیاستنامه)، چ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.
 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۱، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چ ۶، تهران: علمی و فرهنگی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۶، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Barker, Hanna, 2021, "The Trade in Slaves in the Black Sea, Russia, and Eastern Europe". In: Craig Perry and Others. *The Cambridge World History of Slavery*. Vol. 2. Cambridge: Cambridge University Press, p 100-122. In: Craig Perry and Others. *The Cambridge World History of Slavery*. Vol. 2. Cambridge: Cambridge University Press, p 362-382.

Anooshahr, Ali, 2021, "Military Slavery in Medieval North India"
 Bosworth (2), C.E. (2000). "BARDA and BARDA-DĀRI v. Military slavery in Islamic Iran". *IRANICA*. Vol. III, Fasc. 7, pp. 774-776.

Crone, Patricia. (2002). *Roman, provincial and Islamic law: The origins of the Islamic patronate*. Cambridge: Cambridge University Press.

Freamon, Bernard K. (2019). *Possessed by the Right Hand: The Problem of Slavery in Islamic Law and Muslim Cultures*. LEIDEN and BOSTON: Brill.

Gordon, Matthew S. (2021). “Slavery in the Islamic Middle East (c. 600–1000ce)”. In: Craig Perry and Others. *The Cambridge World History of Slavery*. Vol. 2. Cambridge: Cambridge University Press, p 337–362.

Korpela, Jukka, (2019), *Slaves from the North*. LEIDEN and BOSTON: Brill.

Negmatov, N.N. (1998). “The Samanid State”. In: Asimov, M. S; Others. *History of Civilizations of Central Asia*. Vol 4. Paris: UNESCO press.

Whitfield, Susan. (2018). *Silk, slaves, and stupas: material culture of the Silk Road*. Oakland, California: University of California Press.